



سهراب سلیمی از فارغ التحصیلان بازیگری و کارگردانی دانشکده هنرهای دراماتیک (دانشگاه هنر) است.

او فعالیت تئاتری خود را از هفت سالگی آغاز کرده است و شیوخ کار حرفه‌ای او در سالهای ۱۳۴۹ به بعد است. ۸۷ نمایش صحنه‌ای، چند سریال تلویزیونی و چند فیلم سینمایی را در کارنامه بازیگری خود در قبال و بعد از انقلاب اسلامی دارد. از جمله نمایش‌های که به عنوان کارگردان در آنها حضور داشته است می‌توان به از پانفتاده‌ها، ننه انسی، گل‌دونه خانم، حالت چطور، مش رحیم، مسافران، محاق، مرگ در پائیز، کیودان و اسفندیار و... اشاره کرد.

در تئاترهای تلویزیونی ننه خضیره، مدالی برای ویلی، بازپرس وارد می‌شود، پنجری و استپان به عنوان بازیگر حضور داشته است و در فیلم‌های سینمایی دوران کودکی، ملاقات و دیدار نیز بازی کرده است.

□ □ □

□ چطور شد که در نمایش بینوایان حضور پیدا کردید؟  
 □ در آذرماه سال ۷۲ از طرف آقای غریب پور برای بازی در نمایش بینوایان دعوت شدم. طبق معمول گفت و شنودی و تست بازیگری و در پایان برای بازی در نقش اسقف انتخاب شدم. بعد از تمرین مدام در گروه نقش دومی نیز به من سپرده شد و جالب‌ترین بخش این نقش تفاوت سنی آن با نقش اسقف است. چیزی حدود ۵۰ سال که برای من به عنوان یک بازیگر، بازی کردن در این دو نقش تجربه ارزشمندی است. بسیار خوشحالم که این دو نقش تفاوت انرژی زیادی دارند؛ چه به نظر روحیات و اخلاقیات و روان‌شناسی نقش‌ها کاملاً متضادند. یک نقش درونی و آرام و در مقابل آن یک نقش کاملاً انفجاری. آرامش اسقف در نقطه مقابل نقش دوم که هیجان و انفجار است. اولی با یک دنیا تجربه و دیگری با انرژی و پراز حرکت.  
 □ برخورد شما با نقش و همینطور اجرای بینوایان به چه صورت بود؟

□ خیلی خوشحالم که در این اثر بزرگ جهانی و مشهور از ویکتور هرگو حضور دارم و همینطور فرصت ارزشمندی است همیاری و همکاری با کارگردانی مثل آقای غریب پور. درباره نقش خودم و شیوه برخورد با آن، من کارم را به سه مرحله تقسیم کردم. اول گذار از تنش‌ها برای اثبات وابستگی خودم به نقش و رسیدن به آرامش کارگردان در انتخابش.

دوم مرحله سکون است و یا تعمقی که لازمه کار بود. ما همه به دنبال تمام عواملی بودیم که می‌توانست بینوایان را معنی کند. اگر این زمان یکساله را بخواهیم تقسیم بندی کنیم - آن هم به صورتی واقع بینانه - می‌توان گفت ما حدود چهار ماه تمرین داشتیم و در مرحله سوم ثبات و پایداری است که به هر حال فکر می‌کنم حالا به آن مرحله رسیدیم.

□ اشاره کردید به زمان یکساله تمرین بینوایان، چرا اینقدر طولانی؟  
 □ همانطور که عرض کردم، تمرین این نمایش مراحل مختلفی داشت. ما چیزی حدود دو ماه درگیر تست بازیگران بودیم، حدود دو ماه برای لباس و طراحی آن و نهایت دوخت لباس‌ها و پرو و مقداری هم زمان انتخاب بازیگران و رسیدن به قطعیت برای هر نقش. اما در هر حال در این یکسال مجموعه بینوایان تداوم داشت و ثابت شد که یک گروه حرفه‌ای شکل گرفته است و این گروه توانسته وابستگی خودشان را به تئاتر معنی کند. البته کار بزرگی است و انسجام و حرکت گروهی موجود می‌تواند تنش‌های کارگردانی را به حداقل ممکن برساند.

□ شاید بتوان گفت یکی از مشکلات موجود تئاتر ایران نداشتن گروه‌های ثابت حرفه‌ای است. نظر شما در این باره چیست؟

□ درست می‌فرمائید. ما در چند ساله اخیر، گروه‌های ثابت تئاتری چه حرفه‌ای و چه غیر حرفه‌ای کمتر داشته ایم. من امیدوار هستم که راهی برای ادامه کار این گروه حرفه‌ای وجود داشته باشد. اگر این گروه کارش را ادامه دهد، من یقیناً تمایل دارم که به عنوان یکی از اعضای ثابت، همراه آنان باشم. این تداوم حضور برای تئاتر و نفس تئاتر ارزشمند است.

□ آیا طولانی بودن تمرین بینوایان و درگیر شدن شما با این نمایش تاثیر منفی در روند کار بازیگری شما نداشته است؟

□ چون به این نتیجه رسیده‌ام که باید بازیگر تئاتر باشم، پس حضور یکساله ام در این گروه و این نمایش برای من رضی کننده است. چند پیشنهاد برای بازی در سریال‌های تلویزیونی و فیلم سینمایی و حتی آموزش تئاتر داشته‌ام که همه را رد کرده‌ام.

□ پیشنهاد بازی در سریال پهلوانان نمی‌میرند و فیلم سینمایی توفان شن را به خاطر حضور در نمایش بینوایان رد کردم.

□ اگر تئاتر جریان و تداوم داشته باشد، من ترجیح می‌دهم تئاتر کار کنم.

□ این شرایطی که حالا برای شما و گروه نمایش بینوایان بوجود آمده است، یک حرکت عام در پیکره تئاتر نیست و امکان اینکه بقیه بازیگران در گروه‌های مشابه بتوانند کار کنند، در حال حاضر فراهم نیست...

□ بله، قبول دارم این یک شرایط ویژه است. اما اگر شرایط اقتصادی بصورت نسبی برای گروه‌های دیگر هم وجود داشته باشد، تئاتر می‌تواند دوام داشته باشد. در غیر این صورت شرایط تئاتر روز به روز بدتر می‌شود.

□ کار با آقای غریب پور چگونه بود؟ مشکلی در روش کاری با هم نداشتید؟

□ من تقریباً مثل آچار فرانسه در اختیار کارگردان‌های مختلف بودم و تجربه‌های زیادی در همین راستا داشته‌ام. بدنیست اشاره داشته باشم به کارگردان‌های خوبی که با آنها کار کرده‌ام و از تک تک آنها آموخته‌ام.

□ آقایان: رکن الدین خسروی، جعفر والی، خلیل محمد دیلمقانی، عباس مغفوریان، محمد علی جعفری، اکبر زنجانی‌پور، هادی مرزبان، رضا قاسمی، بهزاد فراهانی و شهلا میربختیار. در این نمایش که در خدمت آقای غریب پور هستم، آن چیزی که در واقع به عنوان یک اصل مشخص در کار بازیگری دارم، مدیون آقای رکن الدین خسروی هستم. اساس و شیوه کارم را از ایشان آموخته‌ام. از دیدگاه من انتخاب کار و اجرا بسیار مهم است و من به عنوان بازیگر ارزش‌هایی را برای کارگردان قائل هستم و خود را در اختیار او قرار می‌دهم. اما روش و شیوه بازیگری ام مشخص است. فکر می‌کنم با آقای غریب پور به یک تجربه جدیدتری دست یافته باشم. و آن آزاد نگریستن ایشان به حرکت بازیگر است و در عین حال باهوشمندی و غیر مستقیم بازیگر را هدایت می‌کند.



می‌توان به عنوان یک شغل و حرفه به آن نگاه کرد.

□ و در پایان ...

■ تا آن زمان که گناهکاران بی‌گناه در حصارند و دوزخهای ساختگی بشری پایدارند و تابان روز که سه معمای زمان ما، سقوط اخلاقی زن به خاطر گرسنگی، بی‌پناهی و سرگردانی کودک به خاطر ظلم اجتماعی و پست شدن انسان به لحاظ سیطره ظالمانه قوانین بشری حل نشده باشد و تا آن زمان که قانون آدمیان قانون الهی را زیاد برده باشد و به جای اعتلای انسان پست شدن او را فراهم سازد، تا آن زمان که بینوایی و نادانی بر روی زمین وجود داشته باشد، بینوایان و ویکتور هوگو زنده است.

□ نظرات شماست؟

■ مقدمه ای است که در شروع اجرای بینوایان خواننده می‌شود.

□ ظاهراً جو خاص در مورد اجرای نمایش بینوایان وجود دارد. نگاه آدم‌هایی که بیرون از این گروه قرار دارند و بحث بیشتر بر روی برآورد مالی و بودجه نمایش است. آیا این فضای موجود تاثیری بر روند کاری شما ندارد؟

■ ما شرایط خیلی ایده‌آلی برای اجرای این نمایش نداشته‌ایم. یک بودجه نسبی در قیاس با مدت زمان اجرا و آدمهایی که درگیر با این کار بوده‌اند. اما من امیدوارم که این کار با تمام بزرگی‌اش با کمترین تنش‌های بیرونی مواجه شود و اگر قرار است در مورد آن فضاهای انجام پذیرد، عادلانه و خالی از حب و بغض باشد. همین.

□ فکر می‌کنید اجرای بینوایان چه تاثیری بر تئاتر کشور داشته باشد؟

■ فکر می‌کنم هر اثر فرهنگی می‌تواند دور و داشته باشد و مرکز نمی‌توان اثری راخنثی تعریف کرد. یک اثر یا تاثیرات منفی دارد و یا تاثیر مثبت و من فکر می‌کنم بینوایان قطعاً اثر مطلوبی خواهد داشت.

□ وضعیت کنونی تئاتر در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ به جرأت می‌توانم بگویم دوران طلایی تئاتر در بعد از انقلاب

اسلامی مربوط به زمان حضور آقای علی منتظری بود. در آن دوره تئاتر متعلق به یک گروه نبود و کل جامعه تئاتری کشور از حضور و وجود ایشان استفاده می‌کردند. متأسفانه بعد از رفتن آقای علی منتظری تئاتر تبدیل شد به یک هنر جشنواره‌ای.

□ فکر می‌کنید ریشه این ناپسامانی در کجاست؟

■ به نظر من یک مدیریت اصولی می‌تواند تئاتر را حرکت دهد و یک مدیریت ضعیف آن را از بین ببرد. مسائل اقتصادی، شرایط اجتماعی و عدم توجه کافی به مسأله آموزش از دیگر مشکلات تئاتر است. یک مسأله مهم دیگر اینکه به تئاتر و حضور تئاتر و هویت تئاتر بهای لازم داده نمی‌شود. شما طرح کادآموزش و پرورش را ببینید. چرا در آموزش و پرورش در طرح کاد نامی از تئاتر دیده نمی‌شود؟ تئاتر، بازیگری و کارگردانی و به هر حال همه عوامل موثر در یک اجرای نمایشی، دارای هویت مستقیل هستند و

